

www.ketab.ir

مقدمه‌ای بر
اقتصاد سیاسی نابرابری

نویسنده: احمد سیف

www.ketab.ir

سرشناسه: سیف، احمد، ۱۳۴۴ - عنوان و نام پدیدآور: مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی نابرابری/نویسنده احمد سیف
مشخصات نشر: تهران: افکار جدید، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری: ۲۵۱ ص.
فروست: مجموعه اقتصاد سیاسی؛ ۳.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۵۶۴۲-۷
وضعیت فهرست نویسی: فبا
موضوع: اقتصاد -- جنبه‌های سیاسی
Economics -- Political aspects
رده بندی کنگره: HB۷۲
رده بندی دیویی: ۳۳۰
شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۲۰۶۹۰



افکار جدید

مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی نابرابری

نویسنده: احمد سیف

مجله اقتصاد سیاسی - ۳

نمونه خزان: سستر: میریان

نمایه‌ساز: میا: نانا

صفحه‌آرا: تبسم: میس

ناظر فنی چاپ: سروین: پرو

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: نقش

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۴۱۵-۴۲-۷

نشانی: خیابان نواب صفوی شمال، نبش آذربایجان، جنب پستخانه متروی نواب،

برج گردون، ورودی شمال، طبقه ۹، واحد ۹۰۳

کدپستی ۱۳۱۹۶۵۳۸۸۶ - تلفن دفتر و دورنگار: ۶۶۳۸۳۳۱۸

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

 nashreafkar.info@gmail.com

 @nashrafkar

 nashreafkar

 fidibo.com/nashreafkar

 Taaghche.ir/nashreafkar

 ketabrah.ir/publisher/افکار ناشر

فهرست

| | | |
|----|-------|--------------------------------------------------|
| ۹ | | مقدمه |
| ۱۵ | | فصل نخست: نابرابری؛ تصویری کلی |
| ۱۵ | | مقدمه |
| ۱۶ | | مقایسه کلی نابرابری در شش اقتصاد |
| ۲۲ | | سه‌م درصد‌های بالا، پایین و میانی |
| ۲۷ | | سه‌م یک درصد بالا |
| ۲۹ | | سه‌م ده درصد بالا |
| ۳۳ | | سه‌م پنجاه درصد پایینی |
| ۳۴ | | سه‌م چهل درصد میانی |
| ۳۶ | | خلاصه و نتیجه‌گیری |
| ۳۷ | | فصل دوم: نابرابری؛ چه شد که به اینجا رسیدیم؟ |
| ۳۷ | | مقدمه |
| ۳۹ | | دوره طلایی: حدوداً از ۱۹۴۵ تا اواسط سال‌های ۱۹۷۰ |

- دورهٔ مطلا، اواسط سال‌های ۱۹۷۰ تا کنون..... ۴۶
- عواقب کاستن از نفوذ و قدرت اتحادیه‌های کارگری..... ۵۸
- برای مقابله با نابرابری چه باید کرد؟..... ۶۷
- خلاصه و نتیجه‌گیری..... ۷۳
- فصل سوم: اقتصاد سیاسی نابرابری..... ۷۷
- نابرابری از ۲۰۰۸ به بعد..... ۷۹
- چرا این‌همه نابرابری داریم؟..... ۸۷
- ایجاد نابرابری..... ۸۸
- عوامل ساختاری..... ۹۲
- هیت‌ها، رقابتی در مقابل مزیت‌های مقایسه‌ای..... ۹۴
- مسابقه ریسک و سیدن به قعر..... ۹۶
- دستکاری‌های سنت در مفاهیم..... ۱۰۲
- مکانیسم‌های رانت‌خواری..... ۱۰۴
- سرمایه‌داری رانتی نابرابری..... ۱۰۹
- رکود رانتی..... ۱۱۴
- بیماری انگلیسی..... ۱۲۰
- خروجی مالی غیرقانونی..... ۱۲۱
- فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات..... ۱۲۶
- ضرورت سیاست‌پردازی بدیل..... ۱۳۲
- خلاصه و نتیجه‌گیری..... ۱۳۴
- فصل چهارم: رفم‌های مالیاتی و نابرابری..... ۱۳۷
- مقدمه..... ۱۳۸
- دیگران چه نوشته‌اند؟..... ۱۴۰
- نقش مالیات‌ها در نابرابری..... ۱۵۰
- پیامدهای توزیعی سیاست‌های مالی در کشورهای نوظهور..... ۱۶۰
- پیامدهای توزیعی مالیات مستقیم و پرداخت‌های انتقالی..... ۱۶۶

| | |
|----------|---------------------------------------------------------------|
| ۱۷۰..... | پیامدهای توزیعی مالیات غیرمستقیم و یارانه‌های غیرمستقیم |
| ۱۷۴..... | پیامدهای توزیعی انتقالی‌های غیرنقدی |
| ۱۷۸..... | جمع‌بندی مباحث تا به اینجا |
| ۱۸۰..... | پیامدهای توزیعی سیاست‌های مالی در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته |
| ۱۸۹..... | برای مقابله با نابرابری |
| ۱۹۴..... | خلاصه و نتیجه‌گیری |
| ۱۹۷..... | منابع |
| ۱۹۷..... | فصل اول |
| ۱۹۷..... | فصل دوم |
| ۲۰۱..... | فصل سوم |
| ۲۰۶..... | فصل چهارم |
| ۲۱۳..... | نمایه |

www.ketab.ir

مقدمه

دفتری که پیش‌رو دارید در چهار فصل یکی از مسائل و مشکلاتی را بررسی می‌کند که به گمان من در کنار خطرات غفلت از بهداشت محیط زیست - که زندگی را تهدید می‌کند - اساسی‌ترین مشکلی است که در جهان امروزین داریم: نابرابری در توزیع درآمد و ثروت که تقریباً در همه‌جای جهان و به‌طور دائمی در حال افزایش است. در فصل‌های این دفتر شما من هرگز از این روند به‌دست می‌دهم تا مباحثی که مطرح می‌کنم، در چهارچوب مشخص آن نیاید.

در همیشه تاریخ، در جوامع انسانی فقر و غنا داشته‌ایم، اما همان‌گونه که شواهدی هم ارائه خواهد شد، در چهل سال گذشته شاهد چرخشی در سیاست‌پردازی‌ها بوده‌ایم که در کنار گسترش فقر موجب انباشت هرچه بیشتر ثروت هم شده است. با این همه، بخش عمده‌ای از پژوهش‌های چهار دهه گذشته، بطور عمدۀ متوجه این بوده است که چه اقداماتی برای تحمل‌پذیری پیامدهای روزافزونی نابرابری لازم است. به گمان من این توجه رو به افزایش به مسئله نابرابری، گرچه مفید اما ناکافی است. به‌عنوان نمونه، در این بررسی‌ها روندهای اجتماعی مشوق نابرابری موضوع قرار نگرفته است. از آن گذشته، نقش نخبگان، نهادهای خصوصی و شرکت‌های غول‌پیکر و فراملیتی هم در این فرایند بررسی نشده است. درحالی‌که به گمان من، تمرکز اصلی باید بر این مینا قرار می‌گرفت که چه کنیم تا نابرابری‌های موجود کمتر شود. اگرچه رفرم‌های مالیاتی به‌ویژه در شرایط موجود که نیاز مبرمی به این رفرم‌ها داریم می‌توانند مفید باشند، اما به‌عقیده من تمرکز بر رفرم‌های مالیاتی به‌تنهایی موجب

می‌شود عامل اصلی و اساسی نابرابری روزافزون مورد بررسی قرار نگیرد. این دیدگاه بر این مفهوم نظری استوار است که تنها راه دولت برای بهبود توزیع درآمد مالیات و انتقالی‌های رفاهی است. تردیدی نیست که نظام مالیاتی، به‌ویژه وقتی مالیات بر درآمد تصاعدی باشد، می‌تواند بر توزیع درآمد تأثیر بگذارد؛ اما این دیدگاه از این واقعیت غفلت می‌کند که در دنیای مدرن دولت همچنین می‌تواند سیاست‌هایی را در پیش گیرد که بر توزیع درآمد بازار هم اثر بگذارد. در واقع، می‌خواهیم به این نکته اشاره کنیم که چرا حتی قبل از اینکه به مالیات و انتقالی‌های رفاهی برسیم، کاری نکنیم که نابرابری در توزیع درآمد و ثروت کمتر شود. در آن صورت، حتی وظایف بازتوزیع درآمد هم کمتر خواهد شد. بر من روشن نیست که چرا این‌گونه به قضایا نگاه نمی‌کنیم.

چند نمونه به دست می‌آید: بنگرید که در چهل سال گذشته، در اغلب کشورهای جهان قوانین و مقررات مربوط به اتحادیه‌های کارگری دستخوش چه تغییراتی شد. همان‌طور که در صفحات ابتدای کتاب خواهیم داد، در کشورهایی که اتحادیه‌های کارگری قدرتمند داشتند، سیاست‌پردازان این اتحادیه‌ها را زیر ضرب قرار دادند و تضعیف کردند؛ اما در جوامعی که این اتحادیه‌ها وجود نداشت، انواع و اقسام موانع قانونی ایجاد شد تا از شکل‌گیری اتحادیه‌های کارگری جلوگیری شود.

به قوانین حداقل دستمزد و تحول آن در گذر زمان بنگرید؛ از سویی، در بسیاری از جوامع با قانون‌گذاری در مورد حداقل دستمزد مخالفت شد و از سوی دیگر، اگر چنین قوانینی هم وضع شد، تعدیل میزان حداقل دستمزد به‌گونه‌ای انجام گرفت که قدرت خرید مردم حفظ نشد.

اگر توهمات اقتصاد نئولیبرالی را کنار بگذاریم - توهماتی که در نظر نمی‌گیرند آنچه به نام «بازار آزاد» می‌شناسیم در واقعیت زندگی با قواعد و نظامات دولتی تنظیم می‌شود که در واقع تعیین‌کننده گروه‌های اجتماعی منتفع از همین بازار آزاد است - درباره عملکرد بازارها و نهادهای بانکی و مالی چه می‌توان گفت؟

نابرابری در درآمد بازار همان قدر که پیامد عوامل اقتصادی است با عوامل سیاسی هم پیوستگی دارد. این افراد نیستند که تعیین می‌کنند رقابت منصفانه چگونه تعریف می‌شود یا چه رفتاری غیرقانونی یا ضدرقابتی است. دولت هم بخشی از درآمد را به صورت مالیات دریافت می‌کند و هم گاهی منابع قابل توجهی را به صورت هزینه‌های اجتماعی در اقتصاد هزینه می‌کند که بر توزیع درآمد بازار تأثیرات قابل ملاحظه‌ای می‌گذارد. نه تنها توزیع درآمد، که توزیع ثروت هم با قوانین و مقررات دولت بستگی دارد. مالیات بر دارایی و مالیات بر ارث و به همین نحو، تهیه و تدارک آموزش و بهداشت رایگان و با کیفیت مناسب، نه فقط بر توزیع درآمد که بر توزیع ثروت هم تأثیر می‌گذارد. در این راستا باید از چند نکته سخن گفت:

- دولت چه می‌کند. (مالیات و پرداخت‌های رفاهی)؛
- دولت چه باید بکند؟ (که نمی‌کند و اغلب هم پیامدهای آن‌ها بررسی نمی‌شود)؛
- حوزه‌هایی که برای درک مفروضات و روندهای افزایشی نابرابری‌ها قابل بررسی اند؛
- نوآوری‌های مالی و این مقوله که «آنها بزرگ‌تر از آن هستند که ورشکست شوند»؛
- ساختار پرداختی‌ها برای مدیران سطح بالا؛
- تغییر ماهیت تصاعدی مالیات و پرداخت‌های رفاهی.

مطبوعات نتولیرال دانم بر این ادعا پافشاری می‌کنند که ثروتمندان بزرگ‌ترین بخش از درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را تأمین می‌کنند، اما آنچه این مطبوعات از آن نمی‌پردازند این است که ثروتمندان در سطح فرد یا خانوار مالیات بیشتری نمی‌پردازند. برای مثال، در بررسی مالیات مستقیم و غیرمستقیم سال ۲۰۱۰ در بریتانیا، ۱۰ درصد از غنی‌ترین بخش جمعیت ۳۳ درصد مالیات می‌پرداختند، در حالی که برای ۱۰ درصد از فقیرترین بخش جمعیت این نسبت ۴۳ درصد بود (فیشر، ۲۰۱۴، ۴۵).

اینکه چه مقدار مالیات مستقیم پرداخت می‌شود، به دو عامل بستگی دارد:

● میزان درآمد؛

● نحوه تغییر نرخ‌های مالیاتی.

ولی مالیات‌های غیر مستقیم در این دسته جا نمی‌گیرند؛ یعنی به توانایی مالیات‌دهنده در پرداخت آن توجه نمی‌شود. همان‌طور که در فصل‌های این دفتر خواهیم دید، در طول چهار دهه گذشته ۱۰ درصد از غنی‌ترین بخش جمعیت درصد بالاتری از درآمد ملی را به خود اختصاص داده‌اند، اما از این سهم بیشتر، درصد کمتری را به صورت مالیات به دولت می‌پردازند. وقتی از این منظر به نابرابری روبه‌رشد نگاه می‌کنیم، ● درآمد گروه‌های مختلف درآمدی با روند متفاوتی تغییر کرده است؛ ● نرخ مالیات، ثروتمندان در مقایسه با آنچه در گذشته می‌پرداختند، به‌طور قابل ملاحظه‌ای کمتر شده است.

این ترکیب به این معناست که ثروتمندتر شدن ثروتمندان فقط به این دلیل نیست که نرخ رشد درآمدی‌شان از دیگران بیشتر بوده است، بلکه واقعیت این است که با وجود سهم بیشترشان از درآمد و ثروت، درصد کمتری از آن را به‌عنوان مالیات می‌پردازند. بنابراین، اگر در کوشش برای کنترل رشد نابرابری مدی هستیم، باید نظام مالیاتی مان اصطلاح شود.

در بریتانیا، که من با دقت مسائل اقتصادی آن را دنبال می‌کنم، اغلب افراد در وضعیتی قرار دارند که قبل از دریافت دستمزد و حقوق مالیاتشان از آن کسر می‌شود. اما در همین کشور، ثروتمندان و شرکت‌ها از نظر نظام مالیاتی در وضع متفاوتی هستند؛ در واقع آن‌ها هستند که باید دریافتی‌ها، سود و سودهای سرمایه‌ای خود - در واقع بنیان مالیاتی خود - را به دولت اظهار کنند. اما آن‌ها هم اراده سیاسی و هم ابزارهایش را در اختیار دارند تا با استفاده از بهشت‌های مالیاتی، به‌طور قانونی و حتی اغلب غیرقانونی، درآمدهای مشمول مالیات خود را کمتر از میزان واقعی

اظهار کنند و در نتیجه مالیات کمتری پردازند. فعلاً به این نکته نمی پردازم که راه های فرار قانونی زیادی برای استفاده و سوءاستفاده وجود دارد. البته همیشه می توان برای حسابرسی این اظهاریه ها اقدام کرد، اما واقعیت این است که این نوع حسابرسی ها به مقدار بسیار ناچیزی صورت می گیرد. شواهد موجود نشان می دهد که حسابرسی خرده متقلبان مالیاتی - یعنی کسانی که وابسته به پرداخت های رفاهی دولت ها هستند - در نظام سیاسی کشورهای سرمایه داری پیشرفته با جدیت به مراتب بیشتری دنبال می شود تا اظهاریه های مالیاتی ثروتمندان و شرکت های غول پیکر فراملیتی. البته مطبوعات هم نقش «فرهنگی» خود را در این راستا ایفا می کنند؛ کسانی را که به نظام پرداختی دریغ می گویند یا حتی در استفاده از «اعتبارات مالیاتی» تقلب می کنند، به راحتی «رقان منابع عمومی» می نامند، اما درباره پرداخت نکردن ده ها و گاه صدها میلیون دلار مالیات قانونی از سوی ثروتمندان و شرکت ها زبان بازی می کنند و از «جاخالی دادن» یا «اجتناب از پرداخت مالیات» سخن می گویند. اگر مته به خشخاش بگذاریم، این ها در «پرداخت حتی «غیرقانونی» هم نیستند. نکته ای که می خواهم بر آن تأکید کنم این واقعیت است که هم تقلب مالیاتی استفاده کنندگان از پرداخت های اجتماعی و هم تقلب مالیاتی - صدصد میلیون دلاری شرکت ها و ثروتمندان با انگیزه واحدی صورت می گیرد، اما از «مطبوعات و دیگر ابزار ارتباط جمعی» به صورتی کاملاً متفاوتی ارزیابی می شود.

در کنار فرار مالیاتی، مشکل به مراتب بزرگ تر و قابل ملاحظه تر اجتناب از پرداخت مالیات است. منظور از اجتناب از پرداخت مالیات استفاده از گریزهای مالیاتی برای پرداخت نکردن مالیات است. توجه داشته باشید که استفاده از این گریزها به این دلیل نیست که آن فرد یا شرکت درآمد کمتری داشته یا هزینه بیشتری را متحمل شده است، بلکه با حساب سازی، درآمد مشمول مالیاتش کمتر اظهار می شود و طبیعتاً مالیات کمتری هم می پردازد، طوری که گویی درآمد کمتری داشته است. علاوه بر آنچه گفتیم، راه ها و شیوه های مختلفی وجود دارد که ثروتمندان و

شرکت‌های بزرگ از دولت‌های سرمایه‌داری یارانه دریافت کنند. برای مثال، می‌دانیم که در آمریکا شرکت‌های مالی و «صندوق‌های پوشش ریسک»^۱ می‌توانند بخش عمده‌ای از حقوق مدیران ارشد خود را به‌عنوان درآمدهای سرمایه‌ای منظور کنند و به آن‌ها بپردازند؛ در نتیجه، این پرداختی‌ها شامل مالیات بر درآمد نمی‌شود؛ بلکه باید مالیات بر درآمد سرمایه‌ای را بپردازد که به‌مقدار قابل‌توجهی از مالیات بر درآمد کمتر است.

با تمام این اوصاف، این مقدمه را با دو نکته به‌هم‌پیوسته به پایان می‌برم: از سویی، هزینه‌ای افزایش نابرابری به‌میزانی است که نمی‌توان و نباید از سیاست‌پردازی جدی برای مقابله با آن اجتناب کرد. از سوی دیگر، پیامدهای مثبت نابرابری کمتر و کوشش برای تخفیف شکاف درآمدی و ثروت به‌میزانی است که نمی‌تواند - و به‌گمان من، نباید - نادیده گرفته شود.

از همه عزیزانی که ناپسند را از نظرات انتقادی خود درباره مسائل مطرح در این دفتر مطلع می‌کنند، صمیمانه تشکر می‌کنم.^۲

احمد سیف

لندن، دسامبر ۲۰۲۳

۱. Hedge fund؛ مؤسسات سرمایه‌گذاری که مدیران آن‌ها طیف وسیعی از املاک‌های را به‌کار می‌گیرند و اغلب، با خرید دارایی‌های مالی از طریق اهرم و معامله‌داری‌های پرریسک تلاش می‌کنند بازدهی بیشتری نسبت به میانگین فعالان بازارهای مالی به‌دست آورند. آن‌ها عموماً گزینه‌های پرریسک‌تری را برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌کنند. در این باره نک: بحرمان در اقتصاد جهانی: چه باید کرد؟ از همین نویسنده (نشر افکار، ۱۴۰۲) و.
 ۲. در ویرایش این کتاب همچون دو کتاب دیگر نویسنده - امپریالیسم در عصر جهانی کردن و منبع پیشین - کلیه پانویست‌ها از نویسنده است، مگر مواردی از ویراستار که با و. و دبیر مجموعه که با د. نشان شده‌اند. در ویرایش این کتاب‌ها از راهنمایی‌های رسول قنبری بهره‌مند شده‌ایم که لازم است از ایشان سپاسگزارى شود. د.